

اهمیت تولید داخلی در اقتصاد مقاومتی

از منظر مقام معظم رهبری*

□ محمود اصغری^۱

چکیده

تولید و اشتغال نیروی انسانی، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهد. بیکاری علاوه بر اتلاف منابع انسانی، مسایل و مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به همراه دارد. در این مقاله سعی خواهد شد تا به بررسی و تحلیل اهمیت تولید داخلی که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است، پرداخته شود. محور اصلی این بررسی، بهره‌گیری از رهنمودها و دستور العمل اجرایی سال ۱۳۹۶ که توسط مقام معظم رهبری در هنگام تحویل سال بیان و ابلاغ کردند، خواهد بود.

بدین سان، پرسش مقاله این است که اولاً، توجه نمودن به تولید داخلی و اهمیت دادن به آن، چه نتایج و آثاری را می‌تواند در پی داشته باشد؟ ثانیاً، چرا آن طور که شایسته است، جمهوری اسلامی با همه پیشرفت‌هایی که در بخش‌های مختلف داشته، نتوانسته است در بخش اقتصادی، توفیق چندانی حاصل نموده و بازار تولید و اشتغال کشور را سامان‌دهی کند؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت: یافته‌ها در این نوشتار، نشان از آن دارد که با تکیه بر تولید داخلی و اتکاء به قدرت درونی کشور، می‌توان بازار اشتغال را که از

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱.

۱. پژوهشگر دانشگاه علوم اسلامی رضوی (mahmood.asghari@razavi.ac.ir).

نقاط کلیدی و شاهره اقتصادی - اجتماعی کشور به حساب می‌آید، به تحرک واداشت. در نتیجه، اقتصاد کشور را از حالت رکود خارج نموده و رشد اقتصادی را برای کشور به ارمغان آورد و از این طریق، با پیشگیری از شیوع و افزایش بیکاری در بخش اقتصادی، سبب رفاه اجتماعی گردید و در بخش فرهنگی نیز، از آسیب‌های اخلاقی و روانی و ناهنجاری‌های اجتماعی کاست.

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت: نبود توازن و تقارن و همگرایی در برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی بر مبنای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و نیز پدیده قاچاق کالا و شعاری برخوردن کردن با مفاسد اقتصادی، سبب شده تا در بازار تولید و اشتغال، برخلاف انتظار، همچنان رکود و بیکاری حاکم باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تولید داخلی، اشتغال، بیکاری، فرهنگ.

مقدمه

سال ۱۳۹۶ هم، همانند سال‌های قبل از آن، همان‌گونه که انتظار می‌رفت با اهمیت دادن به یکی از مهمترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی «تولید - اشتغال» توسط مقام معظم رهبری، به عنوان شعار و دستورالعمل اجرایی سال، در صدر مطالبات رهبری از مسئولان و دست‌اندرکاران نظام و مردم قرار گرفت. زیرا به اعتقاد رهبری، «مسئله اقتصاد، مسئله اولویت‌دار کشور است. نه فقط امسال، که چند سال است این مسئله در رأس اولویتهای فوری کشور قرار دارد و نیاز به تحرک اقتصادی به شکل صحیح و با برنامه‌ریزی صحیح [را دارد]». بر این اساس «ما موظفیم این بحث را طرح کنیم؛ برای اهمیت آن، برای توجه مسئولان به آن، برای ایجاد پیوندها و ارتباطات همکاری میان مردم و مسئولان در زمینه اقتصاد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱/۱).

اگر چه همان‌گونه که رهبری معظم انقلاب اذعان نمودند، در زمینه‌های زیرساختی، کارهای بسیار بزرگ و عظیمی در کشور انجام شده است؛ همچنان که در زمینه علم و فناوری و نیز در زمینه توسعه اجتماعی و انسانی، شاخص‌ها بسیار بالا است؛ اما در عین حال، آنچه نمی‌توان کتمان نمود و چشم‌ها را بر روی آن بست، به تعبیر رهبری: ... مسئله بیکاری است؛ به‌خصوص بیکاری جوانان و به‌ویژه، بیکاری جوانان تحصیل کرده. این یک خلأ است، یک حفره است... (همان).

نبود توازن و تقارن و همگرایی در برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی سبب شده، با وجود آن که در بعضی از برنامه‌های اقتصادی مانند مهار تورم و کاستن از آن، گام‌های مؤثری برداشته شده، اما در زمینه تولید و اشتغال برخلاف انتظار، رکود و بیکاری افزایش یافته است و یا به تعبیر مقام معظم رهبری، در حالی که رشد اقتصادی، مثبت نشان می‌دهد، اما رشد سرمایه‌گذاری، منفی است که این یکی از عیوب اساسی و بزرگ است (همان).

به اعتقاد رهبری، راه حل این مشکل و راه بیرون رفت از این، عمل به اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا «اقتصاد مقاومتی یک مجموعه است. اگر ما بتوانیم این مجموعه را تجزیه کنیم و در هر فرصت زمانی، بر روی بخشی از مسائل مهم آن تکیه بیشتری در کشور انجام بگیرد، مطمئناً خواهیم توانست نتایج خوبی از آن بگیریم» (همان). بر همین اساس، رهبری نظام اولویت امسال را در بستر عملیاتی‌سازی اقتصاد مقاومتی، تلاش برای رونق دادن به تولید داخلی دانسته و از آن به عنوان یک کلید واژه برای حل مشکلات اقتصادی کشور نام می‌برند.

پتانسیل‌های لازم برای تحقق شعار سال

نظام اسلامی با توجه به داشتن استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد، شرایط لازم برای اجرای عملی شعار سال را، زیرا که به اعتقاد رهبری: «ما توانایی‌هایمان، استعدادمان در کشور خیلی زیاد است؛... ما کشورمان، هم از لحاظ نیروی انسانی، هم از لحاظ نیروهای طبیعی - نیروهای زیرزمینی، روی زمینی و امکانات گوناگون - جزء کشورهای ثروتمند محسوب می‌شود» (همان، ۱۳۹۶/۱/۱).

با توجه به ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور، مهمترین مؤلفه‌ای که می‌تواند بستر مناسبی برای تحقق شعار سال ۱۳۹۶ فراهم سازد و سبب ایجاد تحرک و پویایی در بخش تولید و اشتغال گردد، اهمیت دادن به تولید داخلی است.

تکیه بر تولید داخلی

اتکاء بر تولید داخلی حداقل از سه جهت حائز اهمیت است:

الف. از جهت اقتصادی

با تکیه بر تولید داخلی، می‌توان گام‌های مؤثری را در جهت رشد اقتصادی برداشت که عبارتند از:

- ایجاد زمینه و بستر برای بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری

آنچه در عصر گسترش علوم، فنون و حاکمیت صنایع و تکنولوژی بیش از هر چیز اهمیت دارد، خلاقیت و نوآوری است. خلاقیت، یعنی به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یا تبلور یک فکر یا مفهوم جدید. به عبارت دیگر، خلاقیت عبارت است از توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیرمعمول بین ایده‌خلاق و تبدیل آن به یک محصول، خدمت یا شیوه مفید (شرموهون و دیگران، ۱۳۸۱، ۵۳۲).

نوآوری، یعنی به کارگیری ایده‌های نوین ناشی از خلاقیت و تبدیل آن به محصول و روش‌های جدید عملیات (سلیمانی، ۱۳۸۴، ۱۶). بدین سان، ضرورت ایجاد خلاقیت و نوآوری در بنگاه‌های تولیدی، سازمان‌ها و مشاغل برای افزایش رقابت و بهبود شرایط کاری و افزایش بهره‌وری، امری انکارناپذیر است. در نتیجه، خلاقیت و نوآوری و مدیریت آن، یک نیاز راهبردی برای نجات اقتصاد کشور به شمار می‌آید، که خوشبختانه کشور به تعبیر رهبری، سرشار از این منابع انسانی خلاق و نوآور است. بر مبنای داشتن چنین پتانسیلی است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

بعضی می‌گویند ما ابزارهای مدرن نداریم، ابزارهای پیشرفته نداریم؛ بنده عرض می‌کنم: جوان ایرانی که می‌تواند غنی‌سازی اورانیوم را در ظرف مدت کوتاهی از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برساند... آن جوانی که می‌تواند این جور حرکت علمی عظیمی را انجام بدهد، یا می‌تواند در ساخت موشک و هواپیما با وجود تحریم‌های بسیار سخت بین‌المللی... آن جور موشک درست کند، آن جور هواپیما درست کند، آن جور سلاح نظامی درست کند... این جوان نمی‌تواند ماشین را برای

تولید خودرو یا فلان موضوع دیگر پیشرفت بدهد و پیش برود؟ چرا نمی‌تواند؟ جوان ما توانایی‌اش را دارد؛ نیروی انسانی ما، مغز متفکر و فعال جوان باسواد و بااستعداد و تحصیل کرده ایرانی، آماده است برای این کارها... میدان را باز کنیم برای جوان‌ها، جوان‌ها بسیاری از گره‌های بزرگ و مشکل ما را می‌توانند حل کنند و باز کنند (همان).

- تأثیر تولید داخلی در رشد و توسعه خلاقیت و نوآوری

بی‌تردید، خلاقیت و نوآوری در خلاء که قابل انجام و دسترسی نیست، در بستر تولید است (اعم از کالا و خدمات) که استعدادها و نبوغ افراد بروز و ظهور پیدا می‌کند و به تعبیر رهبری: یکی از سرفصل‌هایی که از تولید به دست می‌آید، شکوفایی استعدادها و ابتکار جوان‌ها است. وقتی که بازار تولید گرم باشد و رونق داشته باشد، استعداد جوان‌ها شکوفا می‌شود و ابتکارهایی را به میدان می‌آورند (همان).

بدین جهت است که در نگاه رهبری «تولید داخلی، یک کلیدواژه است» (همان) هم برای تولید خلاقیت و نوآوری و هم برای خلق ثروت و رفع نیازهای اقتصادی، زیرا در دنیای پیشرفته کنونی، تداوم و حیات و بالندگی هر کشوری منوط به پیشرفت و استقلال علمی، تحقیقاتی و پژوهشی آن می‌باشد. این در حالی است که آنچه در گذشته و حال به وابستگی و استعمار کشورها منجر شده و می‌شود و آنها را دربند استعمارگران مستبد قرار داده و می‌دهد، پیش‌گیری از خلاقیت و نوآوری و در نتیجه وابستگی علمی است.

از این رو، می‌بینیم در اقتصادهای غیرمولدی مانند برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس که از فروش نفت و درآمدهای نفتی صاحب ثروت شده‌اند، خبر چندانی از تولید و توان تولیدی در این کشورها نیست، اثری از پیشگامی در علم هم وجود ندارد و در مقابل، اقتصاد مولدی را نمی‌توان یافت که با شکوفایی علمی همراه نبوده و نباشد.^۱ البته، ایران اسلامی از این گروه کشورها جداست. از این رو، به جرأت می‌توان ادعا

۱. در حال حاضر، رتبه و اقتدار کشورهای جهان با شاخص ثروت اقتصادی یا توان مالی که از تولید منتج می‌شود، اندازه‌گیری می‌شود. به همین دلیل است که تولید، نقش اصلی و اساسی را برای کشورها از جهت موقعیت جهانی آنها را دارد.

کرد ایران اسلامی تا حد زیادی به رشد و شکوفایی و توانایی علمی داخلی رسیده است^۱ تا بتواند نیازهای علمی کشور را در بخش‌های مختلف علمی و صنعتی را، در راستای ایجاد اشتغال و تولید فراهم سازد^۲. بر این مبناست که به اعتقاد رهبری، ما در تولید، مشکلی از لحاظ امکانات نداریم؛ هم نیروی انسانی را داریم، هم می‌توانیم ابزار کار پیشرفته تهیه کنیم، هم سرمایه‌گذاری می‌توانیم بکنیم به وسیله صندوق توسعه ملی و امثال اینها و ثروت‌های خود مردم. بنابراین تولید، عملی است، امکانات تولید در کشور وجود دارد (همان). البته به تعبیر رهبری، این الزاماتی لازم دارد که «یکی از الزامات، مدیریت کارآمد و متعهد و متدین است. مسئولان بالای کشور، برای بخش‌هایی که به تولید ارتباط پیدا می‌کند {باید} مدیریت‌های کارآمد بگذارند؛ مدیریت‌های بانشاط، با حال، مدیریت‌های علاقه‌مند، پُرانگیزه، قوی...» (همان).

- جدی گرفتن نقش مردم در حل مشکلات اقتصادی کشور

با تکیه بر تولید داخلی است که می‌توان از یک سو، بنگاه‌های تولیدی تعطیل شده و یا نیمه فعال را که با کمترین ظرفیت مشغول به کار هستند، دو مرتبه فعال و به چرخه تولید وارد نمود و از این طریق، شاغلین در این بنگاه‌ها را که نوعاً از طبقه پایین و یا متوسط جامعه هستند و به سبب عدم فعالیت بنگاه، از کار بیکار شده‌اند را دو مرتبه مشغول به کار نمود و هم از دیگر سو، تا حدودی راه برای حضور افراد، برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه، برداشتن بار اقتصادی کشور توسط آنها باز خواهد شد.

همچنانی که ایجاد باور برای ایفای نقش مردم در مبارزه اقتصادی، ممانعت از شکل‌گیری انحصارات، تقویت بدنه مردمی نظارت، شکوفایی ظرفیت‌های خلاقانه،

۱. ر.ک: خسروی، شریفاتی و رحیمی، ۱۳۹۳، ۷۹.

۲. توانایی‌های علمی، سبب ایجاد اعتماد و خودباوری ملی در میان صاحبان بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه در بخش‌های تولیدی می‌گردد. همچنانی که بومی‌سازی علوم مرتبط با بخش‌های صنعتی، اعم از صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، آب و برق، همزمان با ایجاد پل ارتباطی نزدیک میان دانشگاه و صنعت، از یک سو، استقلال و خوداتکائی را به وجود آورده و از دیگر سو، قدرت اقتصادی و چانه‌زنی‌های سیاسی را در عرصه بین‌المللی بالا می‌برد.

بالا بردن توان عکس‌العمل هوشمندانه و به‌موقع مردم در مقابل تحریم‌ها، کاهش فشارهای روانی و رفتار صبورانه در مقابل اقدامات دشمن و... از جمله برکات حضور حداکثری مردم در اقتصاد خواهد بود. براین اساس است که به اعتقاد رهبری، کار اصلی و برداشتن بار اقتصاد مقاومتی و رونق بخشیدن به بازار تولید و اشتغال، به دست توانمند مردم و بر دوش مردم و با همدلی و همراهی مردم است، زیرا «یک اقتصاد قوی، بدون اتحاد ملی هم به دست نمی‌آید؛ بدون پیوند عمومی ملت با نظام هم این خواسته‌ها به دست نمی‌آید؛ بدون فرهنگ انقلابی هم به دست نمی‌آید» (همان). بنابراین، «یکی از کارها، دخالت دادن مردم در کار تولید است؛ مردم باید در کار تولید دخالت داده بشوند» (همان). البته مردمی بودن به تعبیر رهبری، به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد، چراکه دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک را دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوء استفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند. بنابراین، آماده‌سازی شرایط، وظیفه دولت است (همان).

- حل مشکل بیکاری

اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات مهم اقتصادی هر کشور است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی جوامع تلقی می‌شود.

بیکاری، یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است و یکی از نامطلوب‌ترین پدیده‌های اقتصادی - اجتماعی است که پیامدهای مختلفی را در زمینه‌های مختلف در پی دارد. در سال‌های اخیر، یکی از معضلاتی که گریبانگیر اقتصاد ایران گردیده، معضل بیکاری است.

بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۹۵ که توسط مرکز آمار ایران

منتشر شده، نرخ بیکاری^۱ در این سال با افزایش ۱/۴ درصدی، نسبت به سال ۹۴، به ۱۲/۴ درصد رسیده است (ر.ک: سایت مرکز آمار ایران). این نرخ، نشان دهنده میزان بیکاری مطلق است، یعنی افرادی در این طرح آماری به عنوان بیکار شناخته می‌شوند که حتی یک ساعت در هفته نیز فعالیت اقتصادی نداشته باشند (ر.ک: همان). بی‌جهت نیست که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «... اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق بدهیم، اشتغال به وجود می‌آید و مشکل بیکاری - که یکی از مصیبت‌های امروز کشور ما بیکاری جوانان است و نرخ بیکاری، بالا است - برطرف خواهد شد یا کاهش پیدا خواهد کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶).

- حفظ ذخایر ارزی

از آنجا که درآمدهای نفتی در یک قرن اخیر، همواره نقش حیاتی در اقتصاد کشور را داشته و مهم‌ترین اهرم مالی برای اداره کشور بوده است، در اقتصاد مقاومتی، با تکیه بر تولید داخلی و ایجاد رونق در بخش‌های تولیدی، می‌توان ارزش حاصل از فروش نفت را برای تأمین مالی نیازهای ضروری کشور به صورت منطقی و براساس استراتژی‌های فایده‌آمدن بر تحریم تنظیم نمود.

بنابراین، در شرایطی که دسترسی به منابع و اعتبارات بین‌المللی و بازارهای سرمایه به سبب تحریم‌ها به آسانی ممکن نیست، ذخایر ارزی کشور محمل امنی به حساب می‌آید، که اعتبار کشور و پرداخت بدهی‌های کشور را تضمین می‌کند و کشور را از جریمه‌ها و قرار گرفتن در فهرست بدحساب‌ها در دیرکرد بدهی‌ها مصون می‌سازد و علاوه بر آن، کم و کیف ذخایر بین‌المللی یک کشور، یکی از مهم‌ترین عناصر به کار رفته برای رتبه‌بندی اعتباری کشورها، نزد آژانس‌ها و مؤسسات بین‌المللی می‌باشد.

حفظ ذخایر ارزی و کفایت سطح بهینه ذخایر و ترکیب آن دارایی‌ها و اهمیت کارآمدی مدیریت آن، از ابعاد کارآیی مدیریت کلان اقتصاد کشور و بانک مرکزی به حساب می‌آید.

۱. نرخ بیکاری عبارت است از: نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰.

- تقویت بازار سرمایه

در یک نگاه ابتدایی، افراد جامعه را می‌توان در برخورد با مسائل اقتصادی به دو دسته تقسیم نمود: یک دسته کسانی هستند که از توان مالی در قالب پول، سرمایه به صورت جاری و یا پس‌انداز برخوردارند، اما توان آن را ندارند تا آن را در کارهای اقتصادی به کار گیرند و دسته دوم، کسانی هستند که توانایی انجام فعالیت‌های اقتصادی را دارند، اما سرمایه و پول به اندازه کافی ندارند؛ برای پیوند بین این دو گروه، بازاری به نام بازار بورس اوراق بهادار شکل گرفته است که با ایجاد یک فضای مناسب و قانونمند، زمینه پیوند بین این دو دسته را فراهم می‌کند.

بورس اوراق بهادار که به عنوان نبض اقتصاد کشور، مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی می‌باشد، از سویی مرکز جمع‌آوری پس‌اندازها و از سوی دیگر، مرجع رسمی و مطمئنی است که دارندگان پس‌اندازهای راكد، می‌توانند محل نسبتاً مناسبی را برای وجوه مازاد خود برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تولیدی - خدماتی به کار انداخته و یا با خرید اوراق بهادار دولت‌ها و شرکت‌های معتبر، به سرمایه‌گذاری پردازند و از این طریق، سرمایه در گردش مورد نیاز بنگاه‌های تولیدی کشور را تأمین کنند. در این بستر است که به اعتقاد رهبری با «... به کار افتادن پس‌اندازهای راكد [برای] آنهایی که پس‌انداز دارند؛ اگر در کشور تولید رونق پیدا بکند، پس‌اندازهایی که راكد هستند، به گردش می‌افتند و خودشان برای کشور تولید ثروت می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶).

- استفاده از معادن و ظرفیت‌های غیر فعال

روابط عمومی ایمیدرو، مؤسسه جهانی مکنزی^۱ در گزارشی که درباره معادن ایران منتشر نموده، ایران را دارای بیش از ۶۸ ماده معدنی به ارزش ۷۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده، که در بین ۱۰ رتبه نخست جهان برای ذخایر سنگ آهن، مس و روی قرار دارد (اخبار بورس کالا، ۱۳۹۵).

۱. یک شرکت مشاور مدیریت جهانی است. این شرکت، به منظور ارزیابی تصمیمات مدیریتی در بخش‌های دولتی و خصوصی، تحلیل‌های کیفی و کمی انجام می‌دهد.

در حالی ایران با دارا بودن حدود ۶۸ نوع ماده معدنی (غیرنفتی)، ۳۷ بیلیون تن ذخایر کشف شده و ۵۷ بیلیون تن ذخایر بالقوه در میان ۱۵ قدرت معدنی جهان جای گرفته و یکی از کشورهای غنی از حیث دارایی‌های معدنی به حساب می‌آید که در عین حال، تولیدات معدنی، تنها درصد ناچیزی از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد.

نبود زیرساخت‌ها و تکنولوژی روز، یکی از چالش‌های مهم بخش معدن در کشور است که باعث شده تا میزان بهره‌وری در بخش معدن و صنایع وابسته به آن، بسیار پایین‌تر از استانداردهای جهانی باشد.

بخش معادن کشور به جز پتانسیل‌های درآمدی و رشد اقتصادی، از نظر اشتغال هم می‌تواند نقش بسیار مهم و حیاتی در کشور بازی کند، آن هم در شرایطی که کشور با آمار بیکاری بیش از ۱۲ درصد رو به رو است. بدین جهت است که به اعتقاد رهبری، در صورت رونق گرفتن تولید «ظرفیتهای معدنی کشور - که امروز متأسفانه خیلی در این زمینه عقب هستیم - به کار می‌افتد و می‌توانیم از منابع خدادادی که خدای متعال به این ملت بخشیده است، استفاده کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶).

- کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت

از آنجا که وابستگی به درآمد فروش نفت، وابستگی اقتصادی و فرهنگی را در طی سالیان متمادی در کشور به همراه داشته است، لذا باید اقتصاد نفتی و مصرفی را مهم‌ترین دشمن استقلال کشور دانست که از یک سوی، به شدت خودکفائی ملت ایران را نشانه رفته و از دیگر سوی، فرهنگ ملت ایران را در مسیر انحطاط و ضعف قرار داده است (حشمت زاده، ۱۳۷۳، ۳۴). بدین سان، کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت از چند جهت حائز اهمیت است:

۱) شفاف سازی و پیش‌گیری از پوشش ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های اقتصادی

یکی از بیشترین تأثیرات منفی درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران، پوشش ضعف‌ها و ناکارآمدی‌های اقتصادی کشور است. ایران اگرچه از نظر بنیادهای تولید و فناوری و محیط کسب و کار، جزء کشورهای غنی و پیشرفته نیست، اما ثروت کلان نفت که

بدون زحمت و محنت در اختیار جامعه قرار گرفته، کشور را در ردیف جوامع در حال توسعه و با درآمد سرانه نسبتاً بالا قرار داده است.

نفت، واقعیات اقتصاد ضعیف و بیمار کشور را از نظرها مخفی نگاه داشته، چراکه تعهدات مالی کشور به هر شکل ممکن با فروش نفت تأمین شده و می‌شود و هیچگاه دولت مردان احساس نیاز و کمبود واقعی از این جهت نکرده‌اند تا از مغزها و دست‌های توانمند آحاد ملت بخواهند، تا تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیرشان را در عرصه اقتصاد و تولید ثروت به کار اندازند. بی‌جهت نیست که ایران، اگرچه از لحاظ سرانه تولید کشوری غنی نیست، ولی مصرف‌کننده‌ای بزرگ به‌ویژه برای کالاهای لوکس در تجارت جهانی به حساب می‌آید و دولت مردان به جای سرافکندی، آن را مایه افتخار و غرور خودشان نیز می‌دانند.

۱۲ افزایش بهره‌وری

درآمدهای حاصل از فروش نفت که فرهنگ ضد بهره‌وری را در غالب نهادها و سازمان‌های کشور اشاعه داده‌اند، جایگزین فرهنگ کار و تلاش و کوشش در جامعه شده‌اند (پاسبان، ۱۳۸۳، ۱۲۳)؛ از این رو، تضعیف بنیان‌های تولید داخلی، بی‌معنا شدن نوآوری، رنگ باختن تولید ثروت از طریق تولید و فعالیت، نزاع بر سر تقسیم ثروت بادآورده و تحلیل رفتن جایگاه اقتصادی کشور در اقتصاد جهانی، از پیامدهای اقتصاد نفتی است. در حالی که لازمه پویایی و شکوفایی و پایداری در هر اقتصادی کار، تلاش و افزایش بهره‌وری است و این با وابستگی به درآمدهای نفتی در بخش هزینه‌ای، محقق نخواهد شد، زیرا مانع تحرک و پویایی اقتصادی است.

۱۳ واقع‌نگری در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی

آنچه که در حال حاضر، بسیاری از طرح‌های اقتصادی را با گذشت سالیان دراز در کشور ناتمام گذاشته، پیوند خوردن و وابستگی این طرح‌ها با درآمدهای نفتی بوده، که با کاهش درآمدهای نفتی کشور، هزینه‌های این طرح‌ها تأمین نشده است. در واقع، بی‌ثباتی درآمدهای ناشی از نوسانات قیمت نفت، فرصت هر نوع برنامه‌ریزی حساب

شده و سنجیده‌ای را به چالش می‌کشد.^۱ در نتیجه، سبب می‌شود که در زمان رونق درآمدهای نفتی، انواع و اقسام پروژه‌ها طراحی و شروع شود و در زمان کاهش درآمدهای نفتی، پروژه‌های غیرسیاسی رها گردد. این امر خود در هدر رفتن منابع و ناکارآمدی اقتصادی تأثیر به‌سزایی دارد (ذوقی، ۱۳۷۵، ۲۲).

۴) پیش‌گیری از تزریق تورم

از آنجا که درآمدهای نفتی، ماحصل عملکرد فعالیت بخش‌های واقعی اقتصادی نبوده و نیست، بنابراین افزایش آنها نشان‌دهنده رونق واقعی اقتصاد نمی‌باشد. از این رو، افزایش این درآمدها و تزریق آنها به جامعه، به سرعت به افزایش قیمت‌ها منجر می‌شود و زمینه را برای افزایش قیمت انواع کالاهای صنعتی و مصرفی فراهم می‌کند. اهمیت این مسأله تا جایی است که گاهی افزایش ناگهانی قیمت نفت در کوتاه مدت، سبب افزایش درآمدهای دولت می‌شود و با تزریق این درآمدها توسط دولت به جامعه، موجب کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم نیز می‌گردد (خلعت‌بری، ۱۳۷۳، ۱۲۳).

۵) باز شدن جا برای حضور جدی مردم در اقتصاد

امروزه، تأثیر بسیار منفی افزایش هزینه‌های جاری دولت بر ساختار اقتصادی، به خصوص تأثیرات منفی آن بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که نشان‌دهنده مشارکت مردم در اداره اقتصاد است، چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت و کتمان کرد. مطالعات انجام شده در این زمینه، همگی در این موضوع اتفاق نظر دارند که کشورهای صادرکننده نفت، به دلیل ساختار و مسایل سیاسی آنها، دولت‌ها به عنوان بزرگ‌ترین کارگزار اقتصادی کشور در اغلب بخش‌های تولیدی و خدماتی حضور فعال

۱. وابستگی ساختاری اقتصاد ایران به نفت، از دو طریق، اقتصاد کشور را آسیب‌پذیر نموده است: طریق اول: به سبب وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای نفتی و طریق دوم: به جهت وابستگی شدید تجارت خارجی و تراز تجاری کشور به درآمدهای حاصل از فروش نفت می‌باشد، زیرا اگر بخش‌های مختلف اقتصادی در فرآیند تولید خود نیاز به واردات کالاهای خارجی داشته باشند و به هر دلیلی با محدودیت واردات رو به رو شوند، آنگاه از توان تولیدی همه آنها کاسته خواهد شد و این موضوع، نشان از اهمیت میزان آسیب‌پذیری تولید داخلی از درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت را نشان می‌دهد.

دارند (ر. ک: دانش جعفری، داود و کریمی، سمانه، ۱۳۹۳؛ سلطانی، علیرضا و حشمت پور، علیرضا، ۱۳۹۵؛ سلطانی، علیرضا، ۱۳۹۱؛ حشمت زاده، محمدباقر و کاظمی، سید حسن، ۱۳۸۶) و از آنجا که به دلیل عدم ثبات قیمت نفت (همچنان که گذشت)، بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های عمده دولتی، از برنامه زمان‌بندی مدون خود نمی‌تواند تبعیت کند، به طور طبیعی حجم سرمایه‌گذاری از رقم پیش‌بینی شده فراتر می‌رود. در نتیجه، اثرات توسعه‌ای این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها، ضعیف و ناکارآمد می‌باشد. حال با توجه به این معایب وابستگی به نفت است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

آن روزی که ما بتوانیم درآمد کشور را از راه دانش به دست آوریم و در چاه‌های نفت را پلمب کنیم، آن روز، روز خوبی برای ملت ایران خواهد بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۶/۵).

بدین سان به اعتقاد رهبری، کاهش وابستگی به فروش نفت «این برای کشور یک فرصت بزرگ و یک فوز عظیم است. یکی از بدبختی‌های کشور ما و بعضی از کشورهای دیگر، این است که اقتصادشان وابسته به نفت است... اگر کشوری بتواند اقتصاد خودش را از نفت جدا بکند و دارای نفت هم باشد، این کشور قطعاً پیشرفت چند برابر خواهد کرد (همان، ۱۳۹۶/۱/۱).

- جهش صادرات

رشد و شکوفایی تولید داخلی، می‌تواند صادرات غیر نفتی کشور را که در گرو افزایش صادرات کالاهای صنعتی و کشاورزی به بازارهای جهانی است، افزایش دهد. از آنجا که صدور کالاهای صنعتی و کشاورزی، ضمن ایجاد ارزش افزوده بالاتر در اقتصاد ملی، وضعیت اشتغال در جامعه جوان ایران را بهبود می‌بخشد، توجه به این دو بخش ضروری است. انتظار می‌رود که در برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور، بخش صنعت و کشاورزی به عنوان محور توسعه، بتواند از رشد و شکوفایی لازم در زمینه سرمایه‌گذاری، تولید محصولات با کیفیت مطابق با استانداردهای قابل قبول جهانی و سرانجام، جهش صادرات محصولات صنعتی برخوردار گردد. آنچه که در حال حاضر، عمده کالاهای صادراتی را تشکیل می‌دهد، محصولات

است که بر پایه نفت و گاز قرار دارند و این، آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را در مواقع نوسان قیمت این کالاها افزایش می‌دهد. از این رو، صادرات این کالاها اگرچه بجا و ضروری است، اما تأمین‌کننده جهش صادراتی پایدار نخواهد بود. همچنانی که اگر این تنوع با تخصص و بهره‌وری همراه نباشد، نمی‌تواند در بلندمدت چندان اثرگذار باشد. در بازار جهانی باید تولید با مقیاس گسترده، بهره‌وری بالا، کیفیت و قیمت مناسب صورت گیرد، تا قابلیت صادرات و داد و ستد داشته باشد.

آنچه در سند برنامه ششم توسعه اقتصادی در بخش کشاورزی، به صورت پیش‌بینی افزایش تولید محصولات راهبردی و تبدیل پانصد هزار هکتار از اراضی شییدار به باغات در نظر گرفته شده است، در صورت عملی شدن می‌تواند گام مهمی در جهت جهش صادرات محصولات کشاورزی برداشته شود (سند برنامه ششم توسعه اقتصادی، ۱۳۹۶).

بنابراین، جهش صادراتی زمانی امکان‌پذیر است که تولید از رشد و بالندی برخوردار بوده و تولیدکننده در آن، دائماً در حال کشف ایده‌های جدید و افزایش بهره‌وری باشد. بر این اساس است که به تعبیر رهبری:

اگر تولید باشد، صادرات هم جهش پیدا خواهد کرد و باز برای کشور ایجاد ثروت و تولید ثروت خواهد کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶).

ب. از جهت فرهنگی

تکیه بر تولید داخلی و اهمیت دادن به آن، علاوه بر آنچه که از جهت اقتصادی می‌تواند نقش بسزایی در رشد و شکوفایی اقتصاد کشور داشته باشد، از جهت فرهنگی نیز می‌تواند آثار و نتایج مهمی را در پی داشته باشد.

- رابطه فرهنگ و اقتصاد

رابطه بین فرهنگ و اقتصاد، یک رابطه دو سویه است که بر یکدیگر تأثیر شدیدی دارند. به عنوان مثال، زمانی که سلايق افراد که یک امر فرهنگی است، در مورد مصرف یک یا چند کالا تغییر می‌کند، به طور طبیعی موجب تغییر در تقاضا نسبت به آن کالا می‌شود که یک مسأله کاملاً اقتصادی است و یا میزان و مقدار ثروت و درآمد

افراد، که مسأله‌ای کاملاً اقتصادی است، اگر بیش از نیازهای زندگی شخصی افراد باشد، می‌تواند پیامدهای اتراف و اسراف را در قالب مصرف‌گرایی^۱ در پی داشته باشد که پدیده‌ای فرهنگی است.

بدین سان می‌توان گفت: فرهنگ، اقتصاد، سیاست و پیشرفت‌های علمی، نه تنها تحت تأثیر یکدیگر هستند، بلکه در بسیاری مواقع همپوشانی نیز دارند.

- ارتباط بین تولید و فرهنگ

ارتباط بین تولید و فرهنگ را می‌توان این چنین بیان کرد: از آنجا که تولید، خود در واقع یک نوع ابزار فرهنگ‌ساز است و مثال عینی آن را نیز، می‌توان اشاعه فرهنگ کار و تلاش، پرهیز از تنبلی و فرار از کار و مسئولیت‌پذیری، صداقت در کار و... دانست، فرهنگی که از تولید برخاسته و شکل می‌گیرد، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل در شخصیت دادن، هویت بخشیدن و شکوفا کردن استعدادهای درونی افراد جوامع به شمار آید.

هرگاه جامعه‌ای نتواند هویت ملی خود را از طریق کار و تلاش مولد حفظ کند، اعتماد به نفس خود را از دست داده، نگاهش به تولیدات دیگران خواهد بود، مسیرش به سمت خودباختگی فرهنگی هموار گشته و در برابر فرهنگ بیگانه منفعل و تسلیم خواهد شد. اهمیت این مسأله تا جایی است که، گسترش الگوی مصرف غربی به عنوان مثال در کشور، با وجود معارف والا و فرهنگ قدرتمند اسلامی، اگرچه با چالش‌ها و مقاومت‌های فراوانی روبرو بوده و هست، اما متأسفانه زرق و برق‌ها و زیورهای چشم‌نواز و دل‌فریب تولیدات خارجی باعث شده تا آسیب‌های فرهنگی، بخش‌های بزرگی از اقتصاد، بازرگانی و صنعت کشور را نیز طی سال‌های گذشته و

۱. مصرف و مصرف‌گرایی، پدیده‌ای است که می‌توان از ابعاد گوناگون به آن نگریست. مصرف‌گرایی افزون بر عوامل و اثرات اقتصادی، اثرات فرهنگی و روحی - روانی نیز دارد. از این رو، مصرف و شکل و شرایطی که امروزه به خود گرفته است را می‌توان به صورت روندی اجتماعی و فرهنگی که شامل نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی است نیز در نظر گرفت. مصرف هر جامعه‌ای، وابسته به فرهنگ و هنجارهای حاکم بر آن است و تغییر رویه مصرف و رواج مصرف‌گرایی، از تغییر نگرش و اندیشه آغاز می‌شود.

حال مورد تهدید قرار دهد. موشکافی در لایه‌های زیرین اهداف مصرف‌کالاهای خارجی نشان می‌دهد که، افرادی که به این عارضه فرهنگی دچارند، از خود باختگی فرهنگی رنج می‌برند که از طریق مصرف کالاهای نام و نشان‌دار خارجی، در پی به رخ کشیدن خود می‌باشند و با خرید چنین کالاهایی است که این افراد از لحاظ روانی، یک رضایت‌مندی کاذب به آنها دست می‌دهد. اعضای این طبقه اجتماعی، به لحاظ کمی، بیشترین مصرف را در جامعه دارند. بنابراین، تولید داخلی، آن هم تولید مرغوب و با کیفیت بالا می‌تواند سبب کم‌رنگ شدن مسابقه به رخ کشیدن مارک‌های خارجی باشد که به تعبیر رهبری:

... امروز یکی از بلاهای اجتماعی و اخلاقی بزرگ ما این است که مارک‌های خارجی را به رخ هم می‌کشیم. این لباس، این کفش، این کیف، این محصول، مال فلان کارخانه معروف خارجی است. بنده به رخ دیگری می‌کشم، او به رخ دیگری می‌کشد. یک مسابقه‌ای در این مورد به راه می‌افتد. ما در واقع، این بلای فرهنگی و این مشکل فرهنگی را به وسیله رونق تولید می‌توانیم در کشور کم کنیم یا جلویش را بگیریم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶).

- ایجاد انگیزه برای استفاده از تولیدات داخلی

با نگاهی به وضعیت بازار کشور و نوع مصرف افراد، به وضوح می‌توان دید که همچنان و به دلایل گوناگون، مصرف کالای خارجی بالاست و این عادت و علاقمندی به اجناس و کالاهای خارجی، به صورت یک هنجار در جامعه همچنان پررونق است. با توجه به آسیب‌های این نوع نگاه مصرفی است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

اینکه ما روی تولید داخلی تکیه می‌کنیم، خوب حتماً مصرف داخلی هم مورد توقع است. چرا مردم به مصرف تولیدات داخلی کم توجهی می‌کنند؟ ... مصرف‌کننده ایرانی برای آن چیزهایی که در داخل تولید می‌شود، ارجحیت قائل باشد و دنبال اسم خارجی و مارک خارجی و نام خارجی ندود (همان، ۱۳۹۶/۱/۱).

اهمیت دادن به تولید داخلی و توجه نمودن به کیفیت و مرغوبیت کالا در مرحله تولید و عرضه آن به بازار، خود از عواملی مهمی است که نقش بسزایی در ایجاد انگیزه

برای خرید کالای تولید داخلی خواهد داشت و راه را برای حمایت ملی از چرخه‌های تولیدی در قالب خرید و مصرف کالای داخلی برای حرکت و جهش تولید و اشتغال باز خواهد نمود، موضوعی که با رویکرد خرید کالای ایرانی می‌تواند حمایت از کار و سرمایه ایرانی را تحقق بخشد و با رفتاری مثبت، نسبت به ارتقاء کیفیت و بهره‌تولیدات داخلی نیز گامی اساسی را بردارد.

بی تردید، آنچه که می‌تواند در ایجاد انگیزه و رغبت بیشتر به سمت مصرف کالای داخلی، نقش مؤثری در دراز مدت داشته باشد، توجه جدی به ابعاد و جوانب این موضوع به دور از شعار زدگی و توجه اغراق آمیز، باید آهسته ولی پیوسته، مورد توجه و مذاقه قرار گرفته و در رسانه‌های مختلف، به فراخور حال و زبان مخاطبان گوناگون و سطوح مختلف مورد بررسی قرار گیرد، زیرا مصرف کننده داخلی، می‌بایست نسبت به کیفیت و مرغوبیت و نیز قیمت کالای داخلی با کالای مشابه خارجی، بتواند مطلوبیت کالای داخلی را درک کند، که این خود مهم‌ترین عامل انگیزشی در رغبت جستن به مصرف کالا است.

بنابراین، تکیه بر تولید داخلی و بالا بردن کیفیت تولیدات داخلی و داشتن تنوع و ضمانت عملی در کالاها، همه از مواردی است که از رغبت مردم به کالاهای خارجی خواهد کاست.

ج. پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی

- کاستن از ناهنجاری‌های اجتماعی

از دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، بیکاری یکی از ریشه‌های مهم بزهکاری و کجروی افراد در یک جامعه است، زیرا بیکاری جدای از آنکه سبب می‌شود که افراد بیکار، جذب قهوه‌خانه‌ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده و به تدریج، به دامان انواع کجروی‌های اجتماعی کشیده شوند (شمس‌ناتری و باستانی، ۱۳۸۷، ۳۸؛ لطفی و مکیان، ۱۳۹۴، ۱۶۷)، عاملی است برای فقر و تنگدستی افراد و خانواده‌ها و مشکل فقر و تنگدستی، چیزی نیست که در فرآیند تبیین ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی، بتوان به آسانی از کنار آن گذشت (مریجی، ۱۳۹۳، ۱۳۶).

بدین سان، موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل موردنظر، از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود و بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی است که منشأ بروز اختلالات رفتاری و کرداری در سطح جامعه و همچنین بروز تنش‌های سیاسی می‌گردد و سلامتی یک جامعه را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد (دهقان، ۱۳۸۰، ۹). پژوهش‌ها بیانگر آن است که، نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان، امری انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی نمود (احمدی و یزدخواستی، ۱۳۸۵، ۲).

بنابراین، پدیده بیکاری در حوزه اقتصادی - اجتماعی، یکی از پراسیب‌ترین موضوعات به حساب می‌آید. بدین جهت است که به اعتقاد رهبری، تولید می‌تواند علاج اینها هم محسوب بشود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶).

- ایجاد نشاط و غرور ملی

همچنان که گذشت، بیکاری تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرد بیکار، به علت این که نقشی مثبت در زندگی فردی و اجتماعی ندارد، احساس بی‌ارزشی می‌کند. افراد به هنگام کار، شور و شوق و انگیزه و نشاط برای ادامه زندگی پیدا می‌کنند و احساس مفید بودن و سرزندگی دارند (احمدی و یزدخواستی، ۱۳۸۵، ۲). بدین سان، کار سبب افزایش منزلت اجتماعی و ارزش فردی افراد می‌شود. فرد فعال در خانواده، احساس رضایت‌مندی دارد و افراد خانواده نیز در کنار سرپرست خانوار، احساس امنیت و آرامش می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیکاری یکی از مهم‌ترین دلایل بروز افسردگی است (ر. ک: عربی، ۱۳۸۲، ۲۹۱-۳۰۷؛ جمشیدی، ۱۳۸۰، ۵۶-۵۲). بدین جهت است که به اعتقاد رهبری «... تولید در کشور وقتی راه بیفتد، یک نشاط عمومی و ملی به وجود می‌آورد که این خودش یک عامل مهمی در پیشرفت کشور است» (همان).

در پایان، به دو عامل مهم آسیب‌زا که می‌تواند آسیب جدی به تولید داخلی وارد سازد و مانع تحرک و پویایی آن گردد اشاره می‌شود این دو عامل عبارتند از:

۱۱) ورود کالای قاچاق و بی‌توجهی به واردات کالاهای غیر ضروری

در نگاه رهبری، پدیده قاچاق یک عمل خلاف شرع و ضربه‌آور به اقتصاد، هویت ملی و برنامه‌ریزی کشور است که در صورت مقابله نشدن با آن، زمینه‌ساز تضعیف تولید داخلی و ترویج اشتغال ناسالم خواهد بود، زیرا قاچاق کالا، باعث انحراف سرمایه از مسیر اصلی و در نهایت کاهش تولید ملی، درآمد سرانه و گسترش فقر و بیکاری در جامعه خواهد شد.

همچنانی که قاچاق کالا از یک سو، سبب کاهش ارزش پول ملی و نیز خروج ارز از کشور برای واردات قاچاق و از دیگر سو، سبب افزایش تقاضای ارز به دلیل کاهش ارزش پول ملی و در نتیجه، به افزایش قیمت‌ها منجر خواهد شد، قاچاق کالا، اعم از صادرات و واردات آن، سبب خروج سرمایه از کشور می‌گردد.

در صورتی که با قاچاق کالا مبارزه جدی صورت نگیرد، کالای قاچاق وارداتی که بر آن تعرفه‌ای پرداخت نشده و قیمت پایین‌تری نسبت به کالای وارداتی قانونی و رسمی و برتری نسبی بر کالای داخلی مشابه دارد، بازار را اشباع و در قبضه خود خواهد گرفت و با توجه به اهمیت بیش از اندازه این مسأله است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

واردات کالاهایی که در داخل به قدر کافی تولید می‌شود، بایستی به صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود؛ آنچه در داخل تولید می‌شود، از خارج وارد نشود. اینکه ما نگاه کنیم بینیم کالاهای مصرفی ما، از خوراک گرفته تا پوشاک، تا وسایل منزل، تا کیف و کفش بعضی از بانوان، تا وسایل مدرسه و دفتر و قلم و امثال اینها از خارج بیاید، این مایه شرمندگی است! انسان احساس شرم می‌کند؛ هم در مقابل تولیدکننده داخلی احساس شرم می‌کند، هم در مقابل آن کسی که این جنس را از بیرون برای ما می‌فرستد. همچنانی که قاچاق کالا، ضربه مهلکی را بر اقتصاد کشور، چه در زمینه تولید و چه در زمینه مصرف وارد می‌کند، لذا... جلوی قاچاق باید گرفته بشود (همان).

۱۲) شعاری برخورد کردن با مفاسد اقتصادی

مقام معظم رهبری در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰، منشور هشت ماده‌ای در رابطه با مبارزه با فساد صادر فرمودند که مخاطبان اصلی آن، سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه بودند. در

بند دوم این منشور در اهمیت این مبارزه می‌خوانیم که:

ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوء استفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنند که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالمند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰).

در حال حاضر و با گذشت ۱۶ سال از این فرمان، همچنان فساد در تمامی بخش‌های اداری - اقتصادی و... مانع فعالیت‌های سالم اداری - اقتصادی است تا جایی که رهبری معظم انقلاب با گلایه آشکار از مسئولین دست‌اندرکار مبارزه با فساد، در آذر ۱۳۹۳ خطاب به جهانگیری (معاون اول رئیس‌جمهور) برای برگزاری همایش ملی «ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» فرمودند:

نفس اهتمام آقایان به امر مبارزه با فساد را تحسین می‌کنم، لکن این سمینار و امثال آن بناست چه معجزه‌ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما مسئولان سه قوه روشن نیست؟ با توجه به شرایط مناسب و امیدبخشی که از لحاظ همدلی و هماهنگی و همفکری بین مسئولان امر وجود دارد، چرا اقدام قاطع و اساسی انجام نمی‌گیرد که نتیجه را همه به‌طور ملموس مشاهده کنند. توقع من از آقایان محترم این است که چه با سمینار و چه بدون آن، تصمیمات قاطع و عملی، بدون هرگونه ملاحظه‌ای بگیرند و اجرا کنند (همان، ۱۳۹۳).

در نگاه رهبری، لازمه فعالیت سالم و پرتحرک اقتصادی، امنیت است و لازمه امنیت اقتصادی نیز، برخورد با مفسدان اقتصادی است اما به تعبیر رهبری «گاهی ما در این زمینه‌ها کوتاهی کرده‌ایم. فرض بفرمایید در یک نقطه‌ای از کشور، یک سرمایه‌گذاری و یک سروصدایی به پا می‌شود، صداوسیما هم وارد می‌شود و تبلیغات می‌کنند، مردم [هم] می‌آیند طلا و خانه و پول و همه چیزشان را خرج می‌کنند و صرف سرمایه‌گذاری می‌کنند، بعد معلوم می‌شود در آن تقلب بوده است، خب این خلاف امنیت اقتصادی است. بایستی امنیت تولید را حفظ کرد (همان، ۱۳۹۶). در حالی که به اعتقاد رهبری «تسامح در مبارزه با فساد، به‌نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است» (همان، ۱۳۸۰). بر این اساس، بسیار بجاست که دست‌اندرکاران مبارزه با فساد در نوع

نگاهشان در برخورد با مفاسد اقتصادی، تجدید نظر کنند و قضیه را بیش از اندازه جدی بگیرند. زیرا که به تعبیر رهبری (با این امر مهم و حیاتی، نباید بگونه شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به جای تبلیغات، باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست‌اندرکاران این مهم تأکید کنید که بجای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها، به سراغ ضعفها و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند (همان، ۱۳۸۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

فلسفه وجودی نظام جمهوری اسلامی ایران برپا نمودن نظام اجتماعی مستقل و عزت‌بخش و نفی عدم وابستگی به شرق و غرب و پرهیز از هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، در راستای حفظ استقلال همه جانبه کشور است (ر.ک: قانون اساسی، اصل ۱۵۲ و ۱۵۴). در راستای دستیابی به این اصل است که مقام معظم رهبری، مکرر در مکرر بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهبرد بومی و علمی اقتصاد کشور، که مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و دینی و برای یک جامعه انقلابی تعبیه شده است، تأکید داشته و دارند. در راستای تأکید بر اهمیت همین موضوع است که مقام معظم رهبری، سال ۱۳۹۶ را هم به عنوان سال اقتصاد مقاومتی؛ اشتغال - تولید، نام‌گذاری کردند تا جایگاه اشتغال و تولید و تأثیر آن را در سرنوشت اقتصادی و اجتماعی کشور را یادآور شوند. به اعتقاد رهبری، آنچه می‌تواند سبب تغییر و تحول در اقتصاد کشور شود و آن را به رشد و شکوفایی برساند، اهمیت بیش از اندازه دادن به تولید داخلی است که در نتیجه می‌تواند موفقیت‌های شایانی را در بخش اقتصادی و فرهنگی، به همراه پیش‌گیری از آسیب‌های اجتماعی در موارد ذیل ایجاد نماید:

در بخش اقتصادی

- بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری و رشد و توسعه آن؛
- تقویت نقش مردم در حل مشکلات اقتصادی کشور؛
- حل مشکل بیکاری؛

- حفظ ذخایر ارزی؛
 - تقویت بازار سرمایه؛
 - کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت.
- در بخش فرهنگی**
- ایجاد انگیزه برای استفاده از تولیدات داخلی؛
 - و در بخش پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی
 - کاستن از ناهنجاری‌های اجتماعی؛
 - ایجاد نشاط و غرور ملی.

کتاب‌نامه

۱. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ۱۳۹۳/۱/۱.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی علیه السلام، ۱۳۹۶/۱/۱.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی با رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۶/۵.
۴. پاسبان، فاطمه، (۱۳۸۳)، تأثیر نوسانات قیمت نفت بر تولید بخش کشاورزی ایران (بیماری هلندی)، نامه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۱.
۵. جمشیدی، فخری، (۱۳۸۰)، بیکاری و تبعات آن در میان مهاجرین جنگ تحمیلی، مجله کار و جامعه، شماره ۴۱.
۶. حشمت زاده، محمدباقر و کاظمی، سیدحسین، (۱۳۸۶)، نفت و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نشریه بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی، شماره ۱۱.
۷. حشمت‌زاده، محمد باقر، (۱۳۷۳)، جنگ تحمیلی و نفت، در مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد معاونت تحقیق و پژوهش.
۸. خسروی، محمدامین، شریفاتی، محمدرضا و رحیمی، روح‌الله، (۱۳۹۳)، بررسی اثربخشی رشد علمی ایران و پویایی علمی اقتصادی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال بیستم، شماره دوم.
۹. خلعت‌بری، فیروزه، (۱۳۷۳)، مبانی اقتصادی نفت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. دانش جعفری، داود و کریمی، سمانه، (۱۳۹۳)، نفت، برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی، نشریه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۸.
۱۱. ذوقی، ایرج، (۱۳۷۵)، مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران، تهران، پازنگ.
۱۲. ریشه، گئی، (۱۳۶۷)، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ دانشگاه مشهد.
۱۳. سایت مرکز آمار ایران: <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/f>
۱۴. سرویس اخبار بورس کالا، (۱۳۹۵)، چشم انداز جذب سرمایه در معادن ایران به روایت مکنزی، <http://www.mobinsarmayeh.com/News/Details/> 5
۱۵. سلطانی، علیرضا و حشمت پور، علیرضا، (۱۳۹۵)، ساختار مدیریت درآمدهای نفتی در نروژ و گذار از

- دولت رانتیر، نشریه مطالعات روابط بین الملل، شماره ۳۴.
۱۶. سلطانی، علیرضا، (۱۳۹۱)، نفت و فرایند دولت - ملت ازی در ایران، نشریه سیاست، شماره ۲۲.
۱۷. سند برنامه ششم اقتصادی: <https://www.tasnimnews.com> (تاریخ مراجعه، ۱۳۹۶/۲/۱۸).
۱۸. شرموهرون، جان و دیگران، (۱۳۸۱)، مدیریت سازمانی، ترجمه مهدی ایران‌نژاد پاریزی، محمدعلی بابایی زکلیکی و محمدعلی سبحان‌اللهی، کرج، نشر مدیران.
۱۹. شمس ناتری، محمد ابراهیم و باستانی، امیر؛ فصلنامه مهندسی فرهنگی، خرداد و تیر ۱۳۸۷ - شماره ۱۷ و ۱۸.
۲۰. صراف، (۱۳۹۶)، جای خالی ایران در بازار بزرگ روسیه، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶.
۲۱. طیب‌نیا، علی، (۱۳۹۳)، مشکل اقتصاد، پس انداز را کد است، پایگاه تحلیلی خبری صراط، <http://www.seratnews.ir/fa/news/> (تاریخ مراجعه، ۱۳۹۶/۲/۱۸).
۲۲. عریضی، حمید رضا، (۱۳۸۲)، پیش‌بینی بهداشت روانی بیکاری... فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۸.
۲۳. فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری به سران قوا، درباره مبارزه با مفسد اقتصادی، ۱۳۸۰/۲/۱۰.
۲۴. مریجی، شمس‌الله، (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر در کجروی و نقش خانواده در آن، قم، دفتر نشر معارف.
۲۵. مکیان، سید نظام‌الدین و لطفی، عزت‌الله، (۱۳۹۴)، علل اقتصادی خودکشی (مطالعه موردی اقتصاد ایران)، مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، شماره ۱۳.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۷۰)، بزهکاری و شرایط اقتصادی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹.
۲۷. یزدخواستی، بهجت و احمدی، وکیل (۱۳۸۵)، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری، ۱۳۸۵، مجله مطالعات زنان، سال اول، شماره سوم.

